

جوینده یابنده است.

منیره پورطاهری، آموزگار پایه اول، دبستان پسرانه ناحیه ۱



پژوهش مشارکتی معلمان در کلاس درس، بهسازی یادگیری و آموزش، تشکیل گروه‌های هم‌کاری دوستانه، درهای باز کلاس، تعامل معلمان، هم‌اندیشی، انتقادهای دوستانه، آموزش پویا و ...

این‌ها توصیفاتی بود که از درس پژوهی شنیدم و بلافاصله شیفته آن شدم. چه چیزی از این بهتر که تمام هم‌وغم معلم افزایش کیفیت یادگیری و روند آموزش باشد؟ مشتاقانه عضوی از گروه درس پژوهی مدرسه شدم. ایده‌های زیادی در ذهن داشتم و بسیار علاقه‌مند به نشست‌های درس پژوهی بودم. می‌دیدم که هم‌کارانم هم تقریباً همین حس را دارند اما به قول معروف «که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها». به مرور متوجه شدم آن چه در عمل می‌بینم با آن چه در ذهن دارم متفاوت است. می‌شنیدم که برخی از هم‌کارانم آن را بی‌فایده می‌دانند با این دلیل که تاثیری نداشته است. زیرا گاهی فعالیت‌ها صرفاً برای گرفتن عکس و تکمیل گزارش درس پژوهی بود و علی‌رغم تلاش هم‌کارانم نتیجه محسوسی عاید هیچ‌کس نمی‌شد؛ نه معلم و نه دانش‌آموزان.

این پرسش در ذهنم ایجاد شد «چرا؟» چرا «چرخه عمل بهسازی» کامل نمی‌شود؟

این موضوع ذهن مرا به خود مشغول کرده بود. تا این که امسال به‌عنوان نماینده درس پژوهی انتخاب شدم و با نگاهی دقیق‌تر به جزئیات این فرایند، شرکت در جلسات ماهیانه درس پژوهی و گفت‌وگوی بیشتر با هم‌کارانم از مدارس دیگر، به پاسخ‌های زیر رسیدم:

۱. اغلب ما آگاهی درستی از درس پژوهی نداریم و آن را کاری اضافه بر فعالیت‌های روزانه خود و جدا از تدریس می‌دانیم؛
۲. اغلب از حضور دیگری و از نقد شدن واهمه داریم؛
۳. اساساً نقد را عامل پیشرفت‌مان نمی‌دانیم؛
۴. آگاهی ما از نتایج و ثمرات سودمندی که درس پژوهی می‌تواند در پی داشته باشد، اندک است؛
۵. از تغییر می‌ترسیم و به شرایط موجود عادت کرده‌ایم؛
۶. نقدپذیری و نقد کردن صحیح و بدون غرض را نیاموخته‌ایم.

هنوز هم دقیقاً نمی‌دانم چه‌گونه می‌توانم این مشکلات را رفع کنم. سهم من در رفع موانع و پویاتر کردن فعالیت درس پژوهی در مدارس چیست. اما به‌رغم همه این‌ها همچنان مشتاق درس پژوهی‌ام، بسیار امیدوار به آینده آن و آرزومند بهبود روند آن هستم. می‌دانم که همگی باید برای به بار نشستن این درخت تلاش کنیم. مطمئنم که کوشش‌های ما بی‌ثمر نخواهد بود اگر عاشقانه باشد و مستمر. به مصداق این شعر مولانا که:

سایه حق بر سر بنده بود
عاقبت جوینده یابنده بود

چون ز چاهی برکنی هر روز خاک
عاقبت اندر رسی در آب پاک